

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ساحت قدسی اهل بیت (علیهم السلام)

آیه شریفه 143 سوره مبارکه بقره «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»، را آیه 78 سوره مبارکه حج «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِثْلَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» توضیح داده و روشن می‌کند.

از قرار گرفتن این دو آیه در کنار هم منصب مهم امامت به خوبی استفاده می‌شود.

در اسلام این منصب الهی هرچند عنوان رسالت و نبوت را ندارد اما از چنان ویژگی بالایی برخوردار است که ابراهیم خلیل را پس از سر بلندی در امتحانات سخت مفتخر به آن کرده و می‌فرماید این مقام به ظالمین نمی‌رسد و جز معصومین (علیهم السلام) کسی لایق آن نمی‌باشد.

گاهی این سؤال مطرح می‌شود که آیا در قرآن آیه‌ای هست که بدون نیاز به روایت دلالت بر امامت داشته باشد؟

بهترین آیه یا یکی از بهترین آیات همین دو آیه 143 بقره و آیه 78 حج است.

در سوره مبارکه بقره می‌فرماید «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»، ما شما را امت وسط قرار دادیم، اولاً تعبیر به جعلناکم یعنی خداوند می‌فرماید ما این منصب را برای شما قرار می‌دهیم، ثانیاً آیا خطاب جعلناکم خطاب به همه‌ی مسلمین است؟ یعنی ما همه مسلمانان از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا روز قیامت را امت وسط قرار دادیم؟ وسط به معنای این است که نه جانب افراط برود و نه تفریط، در بعضی از تفاسیر هم به عدل، امت عادل و اعتدال معنا شده، یعنی در وجود این افراد، افراط و تفریط در هیچ مسئله‌ای نه در اعتقادات، نه در اخلاق، نه در احکام راه ندارد و در همه‌ی امور حد دقیق آن را رعایت می‌کنند. مراد از «وسط» در اینجا وسط معنوی است نه جسمانی، که گفته شود در اعداد، در کم متصل و کم منفصل وسط چیست؟ اینجا وسط، وصف برای امت است، یعنی امتی که حرفش، گفتارش، کردارش، بر حد وسط است نه در آن افراط وجود دارد نه تفریط.

حال آیا می‌شود گفت همه‌ی مسلمانان امت وسطند؟ اگر همه‌ی مسلمانان امت وسط باشند پس «اکثرهم لا یعقلون» یعنی چه؟ «اکثرهم الفاسقون» یا «اکثرهم لا یعلمون» به چه معناست؟ این همه آیاتی که قرآن کریم در مذمت اکثر بیان فرموده اکثر از همین امت پیامبر است همچنانکه منافقین نیز در همین امت بوده و هستند. اگر اکثر لا یعقلوند، این اکثرهم لا یعلمون یا الفاسقون قرینه می‌شود بر اینکه امت وسط یک گروه و افراد خاصی از مسلمانان هستند نه همه مردم. چون امت بر افراد قلیل

هم صدق می‌کند.

خدا که می‌فرماید «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»، این گروه خاص را برای چه امت وسط قرار داده است؟ آیا این عنوان تشریفاتی و یک وصف معنوی محض است؟ خداوند در تعریف این گروه می‌فرماید: «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» شما را امت وسط قرار دادم تا شاهد بر اعمال و افکار مردم باشید «وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»، از آن طرف رسول هم شاهد بر شما است، خوب عنایت شود اگر کسی به این دو آیه خوب دقت کند به خوبی می‌تواند بدون نیاز به هیچ روایتی حقیقت امامت را از قرآن کریم استفاده کند، گرچه روایاتی هم در ذیل هر دو آیه وارد شده است.

آیه می‌فرماید این منصب را برای شما قرار دادیم تا شاهد همه اعمال مردم باشید. آیا همه مسلمانان می‌توانند شاهد بر اعمال خود باشند؟ چه رسد بر اعمال همه مردم؟ شهداء علی الناس یعنی نه تنها شاهد بر اعمال ظاهری مردم بلکه شاهد بر تمام اعمال، افکار و آنچه در دل مردم می‌گذرد هم هستند.

مطابق آیه شریفه «قُلْ اَعْمَلُوا فِى سَبِيلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولِهِ وَ الْمُؤْمِنِينَ» خدا و رسول خدا و مؤمنین شاهد بر اعمال مردم هستند. ولی اینجا «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»، می‌فرماید افزون بر اعمال شاهد بر همه چیز مردم هستند. تحمل این شهادت در دنیا و ادای آن در آخرت است، اینکه قرآن می‌فرماید روز قیامت هر امتی را با امامش محشور می‌کنیم، چون آن امام به عنوان شاهد است امام شخصیتی است که شاهد بر اعمال مردم در دنیا است، اعمال همه انسان‌ها بر امام عرضه می‌شود نه فقط اعمال شیعه و مسلمین، این چه مقامی است؟ این امت وسط هم کسانی هستند که در این دنیا آگاه بر اعمال و افکار و قلوب همه مردم هستند.

آنگاه در آیه 78 سوره حج می‌فرماید «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»، شما (گروه خاص) باید نهایت جهاد و تلاش و کوشش را در راه خدا داشته باشید، در عبادت باید برترین عبادت‌ها را داشته باشید، در خدمت و ارتباط با مردم، در شناخت خدا و هر آنچه مصداق اطاعت خدای تبارک و تعالی است باید سرآمد باشید. این تکلیف تکلیفی نیست که بشود متوجه همه مسلمین گردد، علما هم نمی‌توانند حق جهاد را انجام بدهند. تنها اوحدی از افراد بشر می‌توانند حق جهاد را انجام دهند. بعید هم نیست که این از «اتقوا الله حقَّ تَقَاتِهِ» هم بالاتر باشد. خود این آیه به قرینه حق جهاد می‌گوید مخاطبش گروه خاصی است و بعد می‌فرماید «هو اجْتَبَاكُمْ» خدا شما را اختیار کرده، شما مجتبی و مصطفای الهی هستید. نزد خداوند یک گروه برگزیده از میان این مردم هستید.

«وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»، می‌فرماید هرچند شما را موظف به انجام حق جهاد نموده‌ام اما در دین حرج را بر شما قرار نداده‌ایم «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ». ملت ابیکم یعنی شما در دین پدران ابراهیم هستید، «هو سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ» یعنی قبل از اسلام و در کتاب‌های آسمانی گذشته و تورات و انجیل خداوند شما را به عنوان مسلمانان واقعی نام برده است. نمی‌گوید جعلکم بلکه می‌گوید سَمَّاكُم، نام امامان شیعه در تورات و انجیل و همه کتب آسمانی بوده «هو سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَ فِي هَذَا» در این کتاب یعنی قرآن هم خدا نام شما را برده ولی با عنوان کلی اولوا الامر و مؤمنون.

آنچه می‌خواهم استفاده کنم این است که همان غایت شاهد بودن که در آیه 143 سوره بقره ذکر شده «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» در همین آیه نیز آمده «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»، منتهی با تقدیم و تأخیر «رسول» بر «علیکم»، یعنی روز قیامت پیامبر (ص) شهادت می‌دهد که این گروه به آنچه که از ناحیه خدا مأمور بودند عمل کردند و اینها نیز شاهد بر همه مردم، اعم از مسلمان، شیعه و غیر آن هستند.

این دو آیه را که کنار هم قرار بدهیم به خوبی می‌فهمیم یک ناس داریم و یک امت وسط و یک رسول. رسول شاهد بر امت وسط و امت وسط شاهد بر ناس هستند، همچنین به قرینه‌ی کلمه وسط که به معنای رعایت عدل است امت وسط به افراد خاص اطلاق می‌شود و به قرینه «شهداء علی الناس» این افراد خاص شاهد بر اعمال و افکار و عقاید همه مردم هستند.

این گروه خاص نزد ما شیعیان؛ اهل بیت پیامبر و معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) هستند. اینکه در روایات، ائمه (ع) می‌فرمایند «نحن الشهداء علی خلقه»، یعنی همه اعمال بشر به ما عرضه می‌شود و ما شاهد آن هستیم و در قیامت شهادت می‌دهیم این آقا این کار را کرد یا این حرف را زد، غیر از نامه‌ی اعمال هر فرد که در جای خودش ثابت است. چنین مقامی کجا پیدا می‌شود؟ صدها خلیفه را کنار هم قرار بدهند به سر سوزنی از مقام ائمه ما نمی‌رسند، این یک امر واضح قرآنی است، روایت نیست که بگویند سندش کذا است که البته روایات معتبر هم وجود دارد مثل «نحن الامة الوسطی» که خود ائمه می‌فرمایند امت وسط یا شاهد بر خلق هستند. «نحن الشهداء علی خلقه».

این مقام ائمه ما در قرآن کریم است. آیا اگر کسی اندک توجهی به قرآن کرده باشد نعوذ بالله نسبت به نسب ائمه اطهار (علیهم السلام) چنین حرف یاوه‌ای بر زبان او جاری می‌شود؟ این فردی که ادعای مسلمانی و ادعای ارتباط با قرآن به عنوان شیخ التفسیر می‌کند، بیاید این آیه را معنا کند، این مقام و منزلت ائمه (علیهم السلام) در نزد خداست. آیا پذیرفته است که کسی چنین حرفی بزند بعد هم بگوید سوء تفاهم شد و با یک عذرخواهی ظاهری، ما قانع بشویم؟

ما به تبع امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و حتی بالاتر به دستور و سیره خود ائمه معصومین (علیهم السلام) معتقد به حفظ وحدت هستیم و می‌گوییم هر کسی که منادی تفرقه بین مسلمین بشود از خط اساسی اسلام فاصله گرفته است. مسلمان‌ها نباید با هم دشمنی کنند یهود و نصارا، خصوصاً یهود زمان ما بدتر از یهود در صدر اسلام است. آنها دنبال تکه تکه کردن مسلمین و نابودی همه مسلمان‌ها هستند، چه شیعه و چه سنی، در این تردیدی نیست.

این خط اساسی وحدت را ائمه ما از همان صدر اسلام برای ما ترسیم کرده‌اند. اما آیا معنای وحدت این است که یک آدم بی‌سواد، یک آدمی که پیداست قلبش مملو از حقد و کینه است بیاید یک حرف مزخرف این چنینی غیر قابل تصور را بزند؟ بدن انسان هنگام تصور چنین خطبی به لرزه می‌افتد. یک مسلمان نمی‌تواند آرام باشد چه برسد به یک شیعه. ما از علمای اهل سنت که بحمدالله در مقابل این فرد موضع‌گیری کردند تقدیر می‌کنیم، ولی این کافی نیست، باید این آدم را از جامعه اسلام طرد کنید و نذارید نماز جمعه بخواند، نذارید مورد مراجعه مردم باشد، این اقل آن چیزی است که باید نسبت به این فرد انجام بشود، وجود چنین افرادی در جامعه مسلمین مایه فتنه است.

امروز بحمدالله در کشور ما اهل سنت و شیعه در مسالمت و کمال آرامش تحت این نظام اسلامی زندگی می‌کنند، زندگی اینها در این زمان قابل مقایسه با دوران طاغوت نیست! زمان طاغوت به اهل سنت در ایران بها داده نمی‌شد و ارزشی برایشان قائل نبودند، با قهر و غلبه با آنها برخورد می‌کردند ولی امروز از برکت انقلاب اسلامی همانند حوزه‌های شیعه، مدرسه علمیه دارند، مدارس‌شان هم چندین برابر حوزه‌های شیعه شده، دارید زندگی می‌کنید ما هم می‌خواهیم همین مسالمت باقی بماند ولی سرسوزنی اجازه تنقیص ائمه اطهار علیهم السلام را نخواهیم داد و آن را تحمل نخواهیم کرد.

لذا هم علمای اهل سنت باید یک موضع‌گیری قوی‌تر کنند و هم مسئولین نگذارند چنین آدمی در جامعه محل مراجعه خود اهل سنت هم باشد! وجود این شخص برای اسلام خطرناک است، هر چند وقت یک بار این فرد حرف‌های عجیب و غریبی می‌زند، خود اهل سنت هم عنوان مزدور به او داده‌اند. دشمن در حال کار کردن است، دشمن برنامه ریزی می‌کند تا در یک موقعیتی یک کلامی را از زبان یک عالم سنی یا یک عالم شیعی بیرون آورد. باید بیدار و هوشیار باشیم ولی هوشیاری و بیداری هم به این نیست که اغماض کنیم.

مقامات ائمه طاهرين (عليهم السلام) اظهر من الشمس است. حسرت ما اين است كه عمر انسان تمام مي شود و نمي توانيم اينها را به خوبي بشناسيم. نفهميديم امام يعني كه و مقام امامت چه مقامی است؟ ما بايد اعتقادات جوانان خود را حفظ كنيم. گاهي بعضي از من مي پرسند چكار كنيم موفق بشويم؟ مي گوييم تا مي توانيد نسبت به امامت كار كنيد، آيات امامت، مقام ائمه، كلمات ائمه، اعتقادات، احكام، اخلاق شان را ياد بگيريد. مراجعه به كافي شريف كنيد و ببينيد در باب مواليد ائمه، در باب كيفيت خلقت ائمه چه چيزهاي فوق فكر بشر را ذكر کرده است.

اين روايت در كتاب الحجه كافي باب مواليد الائمه آمده كه راوي مي گويد: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ الْإِمَامَ مِنَ الْإِمَامِ، وَفَتَى خُدا مي خواهد امامي را از يك امام ديگر خلق كند، «بَعَثَ مَلَكًا فَأَخَذَ شَرِبَةً مِنْ مَاءٍ تَحْتَ الْعَرْشِ ثُمَّ أَوْقَعَهَا أَوْ دَفَعَهَا إِلَى الْإِمَامِ فَشَرِبَهَا»، مقداري از آبي را كه تحت العرش است به امام مي دهد تا بنوشد. حالا اين تحت العرش كجاست؟ خدا مي داند. پيدااست كه يك آبي غير از آب دنياي است، امام آن آب را مي خورد.

«فَيَمْكُثُ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا لَا يَسْمَعُ الْكَلَامَ ثُمَّ يَسْمَعُ الْكَلَامَ بَعْدَ ذَلِكَ» بعد از خوردن آن آب، نطفه امام بعدي به مدت 40 روز در رحم مادرش قرار مي گيرد و بعد از 40 روز در بطن مادر، قادر بر شنيدن كلام مي شود. نگوييد علم امروز مي گويد گوش بعد سه ماه از عمر جنين درست مي شود، چون وجود و خلقت اينها فرق مي كند. در خلقت اين ذوات عوامل ديگري هم دخالت دارد.

لذا مي فرمايد وقتي به دنيا آمد «فَإِذَا وَضَعَتْهُ أُمُّهُ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ ذَلِكَ الْمَلَكَ الَّذِي أَخَذَ الشَّرِبَةَ فَكَتَبَ عَلَى عَضِدِهِ الْأَيْمَنِ» خداوند همان ملك را مي فرستد تا بر بازوي راست حضرت اين آيه شريفة را بنويسد: «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ». «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ» يعني امام كلمه ي تامه ي الهي الهيه است، اين چه تعبير بلندي است؟ معنای كلمه چيست؟ بحث خيلي مفصل و دقيق و لطيفي دارد.

اين «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا» صغراي قضيه و «لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ»، كبراي آن است. نتيجه آنكه اگر بخواهند بر اين كلمات تام الهي خدشهاي وارد كنند خدا نمي گذارد.

عده اي مي خواهند نور خدا را خاموش كنند اما مگر خدا مي گذارد؟ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرُ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» ائمه ما حقايقى هستند كه تا ابد زنده اند. حقايقى كه خدا براي بشر قرار داده و بشر در پرتو اين ذوات مقدس و حتي زيارت قبورشان حيات و رشد يافته و سعادت پيدا مي كند، مگر در زيارت ائمه نمي گوييم «اللهم اني اتقرب اليك بهم» ما بوسيله اينها به سوي تو تقرب پيدا مي كنيم، اين مقام امامان ماست كه در زمان حيات و ممات شان كلمه تامه الهي هستند.

لذا بايد شئون و مقامات ائمه ما حفظ شود، اگر ما هم نخواهيم حفظ كنيم خدای تبارك و تعالى اينها را كه به عنوان ثقل اصغر عدل قرآن قرار داده حفظ مي كند اينها از مصاديق ذكر هستند كه مي فرمايد «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» و مصداق اصلي ذكر هم قرآن كريم است.

اميدوارم معرفت علمای ما به امامت زيادتر بشود و اين حقايق را دريابند كه بشر در پرتو ارتباط با اين ذوات مقدسه هدايت پيدا مي كند، چند سال پيش در همان اوایل جنايات داعش يكي از علمای بزرگ اهل سنت به دیدار ما آمده بود، از من پرسيد به نظر شما راه حل مشكلات مسلمين چيست؟

گفتم راه حلش اين است كه همه سراغ اهل بيت برويم. اگر كسي سراغ اهل بيت نرود نمي تواند سراغ قرآن برود. بايد محور را اهل بيت قرار دهيم. و او هم حرف ما را تصديق كرد. اجازه شيطنت به شياطين ندهيم. به خيال خام خودشان امام ما مثل خليفه آنهاست! در حالي كه نه در علم و نه جهات ديگر قابل مقايسه نيستند. اميدوارم خداوند شر دشمنان اسلام حتي دشمناني كه به

حسب ظاهر لباس مسلمان‌ها را پوشیده‌اند از جامعه مسلمین دفع بفرماید ان شاءالله.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته